

ادامه از صفحه اول

فرانسه ولایی گری اسرائیل

بالین حال آمریکا هم به پایان موفقیت آمیز این مذاکرات نیاز دارد بنابراین ایران و آمریکا باید نقش تخریبی لوران فابیوس را همچون سال قبل به خوبی مدیریت کنند. به‌رحال در طی نشست‌های فشرده ایران و آمریکا به‌منظور غلبه بر مشکلات و اختلافات فنی- حقوقی و سیاسی، جهان اطمینان نسبی پیدا کرد که ایجاد فضای توافق و تفاهم بین دو کشور امکان‌پذیر است و چنانچه کام‌های باقیمانده به‌خوبی برداشته شود، می‌توان در مهلت داده‌شده تا پایان ۱۰فروردین۹۴، تفاهمات اصولی را اعلام کرد و در باقیمانده وقت تا ۹۴تیرماه۹۴ به نگرارش متن برنامه جامع هسته‌ای پرداخت. ناگفته نماند که در این میان حسن‌نیت و انعطاف‌پذیری دوطرف در کسب این دستاورد بسیار مؤثر بوده است. جمهوری‌اسلامی‌ایران در بحث‌های فنی با ارایه راه‌حل‌های گوناگون توانست احتمال هر بن‌بستی در موضوعات غنی‌سازی، راکتور آب سنگین اراک، فردو و اندوخته‌های مواد غنی‌شده را به حداقل رسانده و زمینه تفاهمات اصولی را فراهم کند. اما همانطور که قبلا هم گفته شده بود، مخالفان، معاندان و بدخواهان توافق هسته‌ای و بهبود روابط ایران و آمریکا بیکار ننشسته‌اند و حداکثر تلاش خود را برای تخریب در تفاهمات به‌وجودآمده به کار بسته‌اند. نتانیاهو در راس همه آنها با افق مشترکی که با عربستان و برخی دیگر پیدا کرد، سعی کرد از تندرهای جهمورپخواه و لابی خود در مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا بهره‌برداری لازم را کرده و فضای مذاکرات هسته‌ای را غبارآلود کند. این تلاش نتانیاهو موجب درگیری سیاسی بین آمریکا و اسرائیل شد که در نوع خود بی‌نظیر و برای اولین‌بار است که در تاریخ روابط دو کشور دارد صورت می‌گیرد. نتانیاهو یک‌سال‌ونیم پیش در مجمع‌عمومی سازمان‌ملل‌متحد با ترسیم شمای یک بمب هسته‌ای، جهانیان را ترساند که ایران در مراحل آخر ساخت بمب قرار دارد و ۹۰درصد آن آماده است و ظرف شش تا ۹ماه این بمب آزمایش می‌شود. وقتی که موساد افشا کرد که همان‌موقع گزارشی زیر نظر نتانیاهو به سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس داده بود که «ایران در حال ساخت بمب نیست»، تازه جهان بیدار شد که با چه فریکاری روبه‌روست که خودش مرتبا در حال ساخت سلاح هسته‌ای است، ولی جهان را از ایران که در اندیشه ساخت بمب نبوده، می‌ترساند. این دروغگوی نتانیاهو و سپس ورود غیر بیملاتیک وی به واشنگتن، که موجب واکنش رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا شد خیلی بیشتر چهره دغل‌باز وی را به جامعه آمریکا نشان داد. به‌تدریسی که رسانه‌های معروف آمریکایی همچون نیویورک‌تایمز و واشنگتن‌پست - که نوعی سمباتی سنتی نسبت به اسرائیل داشتند- شروع به انتقاد از نتانیاهو کرده و سفر وی به واشنگتن را کم‌اهمیت و بلااثر معرفی کردند. آنچه نتانیاهو درباره پرونده هسته‌ای انجام داده، جدای از فریکاری و دغل‌بازی وی، باعث شده شخصی وی و اسرائیل در جهان منزوی‌تر شوند و جهان در انتظار نخست‌وزیر دیگری برای اسرائیل قرار بگیرد. نتانیاهو سعی کرد با تحریک نمایندگان سنا و کنگره، غیر مستقیم به آنها القا کند که آنها نمی‌فهمند و متوین نتانیاهو باشند که دارد آنها را نسبت به ماهیت توافقات دولت اوباما با ایران بیدار می‌کند. این در جای خود توهین آشکاری به نمایندگان آمریکاست که اگر خوب درک کنند، ناپیستی زیر بار چنین توهینی بروند. اما افراطی‌گری‌های اسرائیل که بیش از ۶۰۰۰سال است سیاست خارجی آمریکا را گروگان خود گرفته و به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران توانسته منافع و امنیت ملی خود را به سیاست خارجی آمریکا تحمیل نماید، در سال‌های اخیر و به‌خصوص بعد از روی‌کار آمدن اوباما، باعث شده دولتمردان، سیاستمداران، سیاست‌سازان، دانشگاہیان و حتی افکار عمومی آمریکا از خواب گران بیدار شوند که چگونه از آمریکا و امکاناتش سال‌هاست سواستفاده نموده و در عوض آمریکا را سیر بلای خود کرده که وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و سایر حوادث مشابه دامنگیر مردم آمریکا شده است. گفته می‌شود نتانیاهو همه این کردوختاک‌ها را برای انتخابات قریب‌الوقوع اسرائیل انجام می‌دهد تا با ترساندن مردم اسرائیل، خود را تنها ناجی آنها معرفی کند ولی یقینا مردم اسرائیل هم متوجه ترفند این دغل‌کار شده و از هم‌اکنون باران انتقاد داخلی بر سر نتانیاهو باریدن گرفته که منافع و امنیت ملی اسرائیل را فدای منافع شخصی خود می‌کند. تظاهرات عظیم مخالفان نتانیاهو در تل‌آویو، مظهر نگرانی مردم و جناح‌های معتدل از عملکرد نتانیاهو است.

ادامه از صفحه اول

احمدی‌نژاد شما را براساس گزارشی که آقای رحیمی، رئیس وقت دیوان محاسبات، تهیه کرد به اتهام تخلف و سوءاستفاده مالی از مدیریت بیمه ایران، شبانه عزل کردند. اگرچه بعد از سال‌ها آقای رحیمی که بعد از آن معاون اول رئیس‌جمهور شد، خود در این ماجرا درمقابل اتهامات مشابهی قرار گرفت. شما هیچ‌وقت در مورد این اتهام و ماجرای عزل ناگهانی خود و هیات‌مدیره بیمه ایران صحبت نکردید. در آن زمان شما تنها به یکی، دو جمله اکتفا کردید که «ما گناهی نداریم و آینده همه چیز را مشخص می‌کند» و بعد از آن تا این لحظه در مورد ماجرای برکنارتیان سکوت کرده‌اید. می‌خواهم همه چیز را از اول تعریف کنید. ماجرا از کجا آغاز شد؟

ماجر از آنجایی آغاز شد که آقای احمدی‌نژاد به توصیه چندتن از دوستانشان دستور داده بودند شرکت‌های بیمه‌ای باید از محل درآمدهای بیمه شخص‌ثالث به نیروی انتظامی مبالغی حدود ۱۰۰میلیاردتومان کمک کنند. آن‌زمان برای پرداخت چنین پولی مجوز قانونی وجود نداشت. ضمن‌اینکه بیمه ایران ۵۳درصد بازار را در دست داشت و قاعدتا نسبت‌به شرکت‌های بیمه‌ای باید سهم بالاتری به نیروی انتظامی پرداخت می‌کرد. آقای دانش‌جعفری وزیر اقتصاد بودند و با مسوولان بیمه، از جمله بنده به‌عنوان مدیرعامل بزرگ‌ترین شرکت بیمه‌ای ایران چندین‌بار صحبت کردند که به نیروی انتظامی کمک کنید. قصدشان هم خیر بود چون می‌گفتند بالاخره این وجوه پرداختی می‌تواند در پیشگیری از حوادث جاده‌ای مؤثر باشد و جلوی خسارت‌های بیمه‌ای را بگیرد، اما من مخالفت می‌کردم. علت مخالفت من هم این بود که پرداختن به چنین مسأله‌ای خارج از اختیارات رئیس‌جمهور و قوه‌مجریه بود و چنین پرداختی به قانون نیاز داشت.

بله. حرف‌های من را به گوش ایشان رسانده

بودند و آقای احمدی‌نژاد هم گفته بودند نیازی به قانون نیست و خود من قانون هستم. اوایل

ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد بود، همه از ایشان حمایت می‌کردند و ایشان هم هر کاری که می‌خواستند می‌کردند و هیچ‌کس به ایشان چیزی نمی‌گفت، البته بعدها که دولت اساسنامه

شرکت‌های بیمه را به‌منظور دادن مجوز به شرکت‌ها برای چنین کمک‌هایی اصلاح کرد، شورای نگهبان هم به این کار ایراد گرفت و اعلام کرد این

کار از اختیارات دولت نیست و سرانجام برای کمک به شرکت‌های بیمه قانون تصویب شد. بعد از این

اتفاقات در اواخر سال۱۳۸۵، آقای احمدی‌نژاد هنگام ارایه قانون بودجه سال۱۳۸۶، در مجلس

اعلام کردند برخی از مدیران شرکت‌های بیمه‌ای با نیروی انتظامی همکاری نمی‌کنند و به‌همین‌دلیل

ما با آنها برخورد خواهیم کرد. چندروز بعد از این سخنرانی بود که آقای رحیمی افرادی را به‌عنوان

بازرس از طرف دیوان محاسبات به بیمه ایران فرستادند. همراه اینها یک نفر به اسم جابر ابدالی

هم بود که از طرف آقای رحیمی به بیمه ایران فرستاده شده بود.

شما حکم جابر ابدالی را دیدید؟

اول که آمدند، حکم نداشتند. من هم گفتم بدون حکم کسی را به بیمه ایران راه ندمید، چون حکم ندارند تا بالاخره برای اینها حکم زنند. جابر ابدالی کارمند دولت هم نبود، اما او را به‌عنوان بازرس دیوان محاسبات به بیمه ایران فرستادند. جالب‌تر

از آن وقتی با جابر ابدالی صحبت کردم، متوجه

این موضوع شدم که ایشان سواد چندانی نداشت و حتی آن زمان سواد این فرد را زیردیلیم ارزیابی کردم. هنوز برای بازرس‌هایی که دیوان محاسبات به بیمه ایران فرستاده بود، حکم نزنده بودند. اینها به شعبه‌های بیمه ایران سرکشی می‌کردند، روسای شعب را اذیت می‌کردند و اطلاعات عجیب و غریبی از آنها می‌خواستند.

بعضا حتی خودشان را به‌عنوان بستگان و

نزدیکان آقای رحیمی هم معرفی می‌کردند.

بلافاصله درباره اقدامات مشکوکی ازاین‌دست در بیمه ایران، به آقای رحیمی نامه محرمانه‌ای نوشتم.

در دفتر ایشان هم تماس گرفتم که توضیح بدهم، اما فایده‌ای نداشت. خلاصه این افراد شروع

به حسابرسی و بازرسی کردند، اصلا حسابرسی که بلد نبودند، اما هرقدر هم گشتند، چیزی پیدا نکردند.

آن‌زمان که متوجه اقدامات مشکوک در بیمه ایران شدید، دست به

جابه‌جایی افراد نزدید؟ وقتی متوجه اقدامات

مشکوک شدم، عده‌ای را که صلاحیت نداشتند، جابه‌جا کردم. این خبر به گوش من

رسید که رییس وقت حراست بیمه ایران خبرهای نادرستی به دیوان محاسبات

منتقل می‌کند و با عده‌ای همکاری می‌کند که دست به تغییر ایشان زدم. به محض اینکه قصد کردم و

ماموریت ایشان در بیمه ایران را خاتمه دهم، به من اعلام کردند که من از نزدیکان آقای رحیمی

هستم و اگر به ماموریت من در بیمه ایران خاتمه بدهید، من از طرف دیوان محاسبات حکم بازرسی

اقتصاد

پشت‌پرده برکناری مدیرعامل اسبق بیمه ایران پس از ۸سال سکوت

رحیمی را حلال کردم، احمدی‌نژاد رانه



پیش‌نویس: امیر رحیمی

می‌کردند. به این صورت که خسارت‌های کوچک را مدیریت‌ها پرداخت می‌کردند و خسارت‌های بزرگ بعد از رسیدگی‌های کارشناسی به هیات‌مدیره ارجاع داده می‌شد تا پرداخت آن تأیید شود.

ک از آن گزارش دیگر چه ایرادات و اتهاماتی به نحوه مدیریت شما وارد کردند؟

یکی دیگر از مواردی که در گزارش‌ها به آن اشاره شده بود، این بود که بیمه ایران ۳۰۰میلیاردتومان از برخی دستگاه‌ها طلب دارد، اما به‌دنبال وصول طلب نرفته است. این مسأله را به‌عنوان سوءاستفاده مالی در گزارش آورده بودند، یعنی یکی از موارد در سوءاستفاده ۶۰۰میلیاردتومانی این قضیه بود. درحالی‌که این ۳۰۰میلیارد حتی ۱۰درصد حق بیمه‌های یک‌ساله بیمه ایران در آن زمان هم نبود. اگر هم این حق بیمه بازار بیمه ۱۶هزارمیلیاردتومان باشد، سهم بیمه ایران هشت‌هزارمیلیاردتومان از بازار بیمه است، اما آن‌زمان نزدیک سه‌هزارمیلیاردتومان سهم بیمه ایران در بازار بیمه بود. غالب بیمه‌گذاران بیمه ایران هم دولتی بودند و به‌همین‌دلیل ۳۰۰میلیاردتومان از دستگاه‌های دولتی طلب داشتیم. یکی دیگر از موارد آن گزارش این بود که چرا بیمه ایران خسارت ۳۰۰میلیونی و ۵۰۰میلیونی پرداخت کرده و نباید این خسارت‌ها را پرداخت می‌کرد یا بیمه ایران قبلا در لندن فعالیت داشته اما الان فعالیت ندارد و زیان داده است. جالب‌تر از همه اینها این بود که وقتی همه اینها را جمع می‌زدیم، به ۶۰۰میلیاردتومان نمی‌رسید و مجموع این حساب‌وکتاب‌ها معلوم نمی‌شد.

یعنی یک پرونده‌سازی کاملا ناشیانه... و چنین گزارشی را به دست آقای رحیمی و آقای احمدی‌نژاد رساندند؟

بله. آقای رحیمی به‌شدت به دنبال این گزارش بود. گزارش ظرف سه یا چهارروز نوشته شد و به‌محض اینکه به دست آقای رحیمی رسید، آن را مستقیما به دست آقای احمدی‌نژاد رساند. تردید دارم که آقای رحیمی قبل از ارایه گزارش به رئیس‌جمهور خود یک‌بار آن را با دقت خوانده باشد. اساسا ارایه گزارش از سوی دیوان محاسبات که زیر نظر مجلس است، مستقیما به رئیس‌جمهور مشکل قانونی و سازمانی داشت و بعدا موجب گلایه نمایندگان مجلس شد. بعدها از برخی دیگر از مسولان و مشاوران همان زمان دیوان محاسبات شنیدم به آقای رحیمی توصیه کرده بودند که اجازه دهند بدوا گزارش در مسیر قانونی خود در داخل ارکان دیوان محاسبات از جمله دادستانی دیوان و هیات‌های مستشاری رسیدگی شود که ایشان نپذیرفته بود و قبل از بررسی‌های لازم و طی مراحل قانونی این گزارش نادرست را ارایه و رسانه‌ای کردند.

واکنش اولیه آقای احمدی‌نژاد به این گزارش چه بود؟

آقای احمدی‌نژاد در اوایل مسوولیت خود تمام کارهای قبل از دوران خود را زیر سوال می‌بردند و به تمام مدیران گذشته بدبین بودند و علاقه زیادی داشتند تا پرچم مبارزه با فساد در کشور را در دست بگیرند و آن را به‌نفع گروه خود مصادره کنند. غافل از آنکه غیب و غرور در این زمینه‌ها بسیار مخرب است. با این انگیزه بدون اینکه اجازه دهند این گزارش در مراجع ذی‌ربط بررسی شود، دستور عزل مدیران بیمه ایران را صادر کردند و در گوشه این گزارش نوشته بودند باید چنین افرادی کنار گذاشته شوند و افراد سالم و ام‌تदार در چنین پست‌هایی منصوب شوند که معنی مخالف آن این بود که مدیران بیمه ایران سالم و ام‌تदार نبوده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۱

دلار کمتر از ۳۴۰۰تومان		
ارز	قیمت	تغییر
دلار	۳۳۳۹۶	↓
یورو	۳۷۱۷	↓
پوند	۵۱۵۸	↓
درهم	۹۳۰	↓

شرق: دلار یک بار دیگر در مسیر نزولی قرار گرفت و برای چندمین بار با قیمتی کمتر از سه‌هزار۴۰۰تومان معامله شد. در بازار آزاد از تهران، هر دلار آمریکا سه‌هزار۳۹۶تومان معامله شد. افت دوباره دلار به کمتر از سه‌هزار۴۰۰تومان چندین‌بار رخ داده اما دوم اندکی داشته است. یعنی بعد از چندروز دوباره خود را به نزدیکی سه‌هزار۴۵۰تومان رسانده است. یورو، دیگر ارز عمده بازار هم در مسیر کاهشگی گام برمی‌دارد. هریورو که در بازار شنبه سه‌هزار۷۴۰تومان قیمت خورد، در روز یکشنبه با ۲۳تومان کاهش مواجه شد و بر قیمت سه‌هزار۷۱۷تومان ایستاد. پوند هم همسو با این دو ارز کاهش قیمت را تجربه کرد. کاهش قیمت شواهد متقن درباره چیزی (اظهارنظر کنند یا مثلا ربطی بین این همه اظهارنظرهای غلط و شدداد و ربط‌دادن مشکلات درمان و سلامت به نیت پزشکان ببینند! اما قطعاً می‌توانند از این همه جهممه و اظهارنظرهای پشت‌سر هم و انعکاس گسترده آن در رسانه‌ها، درست هنگامی که مشکلات بسیاری فراوری خود دارند، حیرت کنند و در جست‌وجوی علت آن برآیند!

خبر

رئیس بنیاد مستضعفان:

شفاف‌سازی فعالیت‌های بنیاد مستضعفان در سال آینده

● **روابط‌عمومی بنیاد مستضعفان:** رئیس بنیاد مستضعفان گفت: فصل جدیدی از فعالیت بنیاد در راستای محرومیت‌زدایی آغاز شده و به منظور شفاف‌سازی فعالیت‌های بنیاد از سال آینده تمام شرکت‌های وابسته قرارداده‌ها و معاملات خود را در سایت‌های مربوطه منتشر می‌کنند. محمد سعیدی‌کیا، افزود: جزییات برنامه و بودجه سال آینده به‌منظور شفاف‌سازی امور در سایت‌های بنیاد مستضعفان منتشر خواهد شد. زیرا از ۳۷سال پیش اساس فعالیت بنیاد مستضعفان بر محرومیت‌زدایی گذاشته شده است. رئیس بنیاد با اشاره به فرمایشات امام راحل و مقام‌معظم‌رهبری، خدمت به محرومان و مستضعفان را مهم‌ترین رسالت بنیاد عنوان کرد و گفت: تک‌تک افراد شاغل در بنیاد در ارایه خدمات به این گروه از جامعه سهمیم هستند و امیدوارم که این مسوولیت را به خوبی اجرایی کنیم.

افزایش تعاملات بین‌المللی بورس کالا

● **سنا:** مدیرعامل بورس کالای ایران از افزایش تعاملات این بورس خبر داد و گفت: معامله همزمان کالای کشورهای عضو او در یک تابلو انجام خواهد شد. حسین پناهیان درخصوص تعاملات بورس کالا در حوزه کشورهای عضو اکو، افزود: مهم‌ترین نکته در افزایش تعاملات بین بورس‌های کالایی، این است که این نهاده‌ها امکانی را فراهم کنند تا بورس‌های کالایی بین چند کشور که مبادلات و تجارت بین‌المللی بیشتری با هم دارند بتوانند مبادله کالا و کشف قیمت را بین یکدیگر انجام دهند. وی درخصوص تعاملات بورس کالا با سازمان اکو، اظهار کرد: بحثی که با اکو داشتیم این است که یکسری تعاملاتی را از لحاظ اقتصادی بین کشورهای اکو که ایران هم در واقع عضو آن است، صورت بگیرد. وی افزود: به‌دنبال این هستیم که کالاهایی که بین کشورهای عضو اکو مبادله می‌شود و ماهیت بورسی دارد؛ به این معنی که استانداردپذیر باشد، قابلیت معامله در تابلو را داشته باشد و کشف قیمت آن براساس مکانیزم عرضه و تقاضا صورت بگیرد و همچنین کالاهایی که خریدار انحصاری یا فروشنده انحصاری نداشته باشد را به طور هم‌زمان در یک تابلو و در یک زمان معاملاتی، معامله کنیم.

قیمت مرغ کاهش یافت

● **ایسنا:** رییس اتحادیه فروشندگان پرزنده و ماهی از کاهش قیمت گوشت مرغ به هفت‌هزار۲۰۰تومان در بازار روز گذشته تهران خبر داد. مهدی یوسف‌خانی با بیان‌اینکه کاهش قیمت گوشت مرغ نهایتا تا حدود هشت‌هزار۲۰۰تومان آدامه خواهد داشت، گفت: قیمت مرغ تا پایان سال حدود ۲۰۰تا۲۰۱تومان دیگر کاهش می‌یابد. وی با بیان اینکه روز یکشنبه قیمت مرغ زنده در مرغداری پنج‌هزارتومان بوده است، اظهار کرد: قیمت عمده‌فروشی هرکیلوگرم گوشت مرغ هفت‌هزارتومان و خرده‌فروشی آن هفت‌هزار ۲۰۰تومان است.

ادامه از صفحه اول

پزشکان، اخلاق ویسیستم سلامت

آیا تصور می‌شود برگزیدترین جوانان پزشک ایرانی خواهان محیطی که ارتباط مالی بین بیمار و پزشک وجود نداشته باشد، نیستند؟ راستی آیا این‌گونه فکر می‌کنند؟ آیا هوای چنین محیطی در پزشکین بهترین جوانان ما به دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های اروپا و آمریکا بی‌تأثیر بوده است؟ راستی آیا ممکن است برون‌ده مدارس ما که بهترینشان در دانشکده‌های پزشکی و مهندسی پذیرفته می‌شوند با اراده خود چنین اخلاقیاتی را برگزینند و چنین سیستمی را رقم بزنند؟ نکته دیگری که در اظهارات اخیر باورنکردنی است، آنکه افراد تحصیلکرده‌ای که اروپا دیده هم هستند عامدانه تفاوت‌های بخش‌های داخلی و جراحی را نادیده می‌گیرند و حساب «دریافت‌های» پزشکیانی را که در میان جراحان هم استثنایی هستند به حساب همه پزشکان می‌نویسند! می‌دانیم دولت هنوز توانسته در بیمارستان‌های دانشگاهی به کیفیت خدمات ارایه‌شده توسط این پزشکان و مراکز پزشکی خصوصی دست یابد و تمام تلاشش به‌جای مهیاکردن شرایط مناسب تنها منجر به وضع برخی مقررات بدون ضمانت اجرایی شده است. باورکردنی نیست که کسی از میان پزشکان نداند طب داخلی دچار یک بحران تمام‌عیار است، نداند که بخش مهمی از پزشکان عمومی در سیستم فعلی امکان کار ندارند و برخی کارهای پزشکی آنها هم اشتغال کاذبی است که ربط چندانی به سلامت پیدا نمی‌کند. پزشکان و به‌خصوص پزشکان دانشگاهی به مناسبت مشغله‌ای که دارند هیچ‌گاه میل ندارند بدون فاکت و شواهد متقن درباره چیزی (اظهارنظر کنند یا مثلا ربطی بین این همه اظهارنظرهای غلط و شدداد و ربط‌دادن مشکلات درمان و سلامت به نیت پزشکان ببینند! اما قطعاً می‌توانند از این همه جهممه و اظهارنظرهای پشت‌سر هم و انعکاس گسترده آن در رسانه‌ها، درست هنگامی که مشکلات بسیاری فراوری خود دارند، حیرت کنند و در جست‌وجوی علت آن برآیند!